

چهره زروان در «کوش نامه»

دکتر مرضیه ندافی^۱

دکتر نعیمه متوسلی^۲



تاریخ دریافت: ۹۵/۲/۱۲

تاریخ پذیرش: ۹۵/۲/۱۵

چکیده

مقاله حاضر به بررسی آیین زروانی در متن حماسی «کوش نامه» اثر ایرانشان (ایران‌شاه) بن ابوالخیر می‌پردازد. زروان، خدای زمان، از آیین‌های رایج ایران باستان است که فلسفه و اندیشه‌های آن در متون فارسی به خصوص متن‌های حماسی، بازتاب گسترده‌ای یافته است. در این پژوهش با استفاده از تحلیل محتوایی، ابتدا زروانیسم و فلسفه آن به صورت مختصر، معرفی شده؛ سپس با بررسی متن «کوش نامه» چهره و اندیشه‌های این آیین از خلال بیت‌های آن نمایان شده است. با بررسی محتوای «کوش نامه» این نتیجه حاصل می‌گردد که چهره زروان در دو قالب زمان و سپهر به صورت گسترده‌ای در این متن بازتاب داشته است. زمان در قالب زمان کرانمند و بیکران شامل شب و روز، سرنوشت و تقدیر و چهره سیاه و گریز ناپذیر مرگ رخ می‌نماید. سپهر نیز چهره خود را به صورت ستارگان و تأثیر آنان در سرنوشت و بخت آدمی، طالع بینی، ستاره شناسی و تقدیر جبرگرایانه، نمودار ساخته است.

کلید واژه‌ها: زروان، کوش نامه، زمان، تقدیر، مرگ، جبر.

مقدمه

۱ - مدرس مرکز آموزش عالی واحد استهبان، استهبان، ایران. Nadafi_88@yahoo.com

۲ - مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد دشتستان، برازجان، ایران. N.Motevaseli@yahoo.com

باورها، اندیشه‌ها و اخلاق و رسوم هر ملتی در ادبیات آن ملت انعکاس می‌یابد. به طور قطع بررسی متون ادبی حماسی که جنبه‌ی اساطیری دارند، می‌تواند بسیاری از نقطه‌های تاریک گذشته را روشن نماید. از سوی دیگر بحث دین و اعتقادات از جمله بحث‌های مهم و چالش برانگیزی است که همواره محققین حوزه تاریخ، دین و عرفان با آن روبرو بوده و هستند. بررسی اندیشه‌های زروانیسم به عنوان یکی از آیین‌های قدیم ایران باستان، در متون حماسی فارسی می‌تواند فایده‌های بسیار مهمی در حوزه‌ی ادبیات، تاریخ، دین و عرفان داشته باشد.

یکی از مذاهب‌های رایج در ایران پیش از اسلام، آیین زروانی بوده که از جمله فرقه‌ها و مذاهب‌های مزدیسنا محسوب می‌گردد. در این مذهب، زروان که خدای زمان است، به عنوان خدای برین پرستش شده و با لقب‌های «زمان بیکران» و «زمان درنگ خدای» از او نام برده می‌شود. در این مذهب عقیده بر آن است که زروان، پدر اهورا و اهریمن است و دو منبع خیر و شر دارد. بهترین منبع انعکاس باورها و اندیشه‌های ایران باستان متون دسته اول حماسی است. حماسه به دلیل دارا بودن جنبه‌ی تاریخی و اسطوره‌ای، آماده‌ترین بستر برای شناخت افکار و اعتقادات ایران باستان است. غنی‌ترین این منابع، شاه‌نامه حکیم فردوسی توسی است و متن‌هایی که به تقلید از شاه‌نامه شکل گرفته و کم و بیش باورها و اندیشه‌های ایران باستان را در خود منعکس کرده‌اند. یکی از این منابع منظومه‌ی «کوش‌نامه» است. «کوش‌نامه» یکی از آثار حماسی است که به تبعیت از شاه‌نامه فردوسی شکل گرفته، و در زمره‌ی متون حماسی قلمداد می‌شود؛ از این رو با این هدف که چهره آیین زروانی در آن شناسایی و نمونه‌های کاربرد و تأثیر این آیین در آن معرفی گردد؛ انتخاب گردید تا مورد کنکاش قرار گیرد.

کوش‌نامه به کوشش جلال‌متینی به جامعه ادب ایران معرفی شده و ایشان با ارایه

Zrvan اسم است به معنی زمان، زمانه که با صفت بی کرانه، جاودانه و خودآفریده آمده است. معتقدان به زروان او را باشنده‌ی غایی نیک و بد می‌دانند. طبق آیین زروانی دو گوهر خیر و شر که در ظاهر متضاد هستند، در اصل دو برادرند که از زروان زاده شده‌اند؛ که یکی «اهورامزدا» که زاینده‌ی نیکی است و دیگری «اهریمن» که آفریننده‌ی بدی است. همه‌ی گیتی و کاینات آفریننده‌ی این دو گوهرند. اگرچه در اوستا از «زروان» به وضوح نامی برده نشده و تنها از شواهد و قراین موجود در بندهایی از یسناها به این آیین می‌توان دست یافت و از ظاهر امر پیداست که زروان در اوستا ایزد پر اهمیتی نبوده، اما منابع دیگری موجود است که آشکارا از وجود ایزدی به نام «زروان» به عنوان آفریدگار دو عنصر خیر و شر، نام برده‌اند. این منابع را بر مبنای زمانی و تاریخی به چند دسته تقسیم می‌کنند.

متون پهلوی، زردشتی و مانوی، شامل: بندهش، مینوی خرد، گزیده‌های زادسپرم، دینکرد، شکندگمانیک و یچار و روایت‌های پهلوی ۲- متون فارسی و عربی شامل: الفرق بین الفرق، الملل و النحل شهرستانی، تبصره العوام فی معرفه الانام، غرر اخبار ملوک فرس، التنبیه و الاشراف. ۳- منابع یونانی، ارمنی و سریانی شامل: نقل قول‌های تئوپمپوس خیوسی، نوشته‌های اودوموس رودسی، روایت از نیک کلبی و تئودوروس بارکونای.

به گفته‌ی نیبرگ، خدایان زمان در بسیاری از دین‌های باستانی و فرهنگ‌های قدیم دیده می‌شوند و اغلب جایگاه برجسته‌ای در جمع خدایان ندارند. «این‌ها بیشتر خدایان سرنوشت و خدایان مرگ هستند» (نیبرگ، ۱۳۵۹: ۳۸۰) اما در آیین زروانی این خدا جایگاه والایی دارد. زمان، همواره در ذهن بشر مسأله‌ای پر اهمیت و مهم جلوه می‌کرده، بنابراین دور از ذهن نیست که از همان آغاز، بشر در پی یافتن ابتدا و انتها (آغاز و انجام) زمان بوده باشد و حتی از او به عنوان خدا یا آفریدگار یاد کند.

که توسط زروان و از طریق مادر زندگان به حیات خوانده شده و پسر زروان محسوب می‌شود. همین که مانویت به عنوان یک آیین نواندیش و بدعت گذار به زروان به عنوان خدایی برتر توجه داشته و برای آن اهمیت قایل شده است، نشان می‌دهد که زروانی‌گری در این دوره بیشتر در قالب یک نهضت فکری مورد توجه آیین‌های نو اندیش بوده است تا آن که به عنوان دستگام مذهبی مورد توجه قرار گیرد. یکی از عواملی که نشان رواج این آیین در دوره‌ی ساسانی است، نام گذاری در این دوره است که این امر از کتیبه‌ی شاهان ساسانی آشکار می‌شود. «فیلیپ ژنو^۱ در «نام‌های ایرانی در کتیبه‌های ساسانی» از این نام تحت عنوان زروانداد (یکی از حکمای دوازده گانه‌ی مشرق زمین) و زروان ماه، یاد کرده است.» (رضی، ۱۳۸۱: ۱۱۸۶) فردینان یوستی^۲ نیز در کتاب «نام‌های ایرانی» به بحث درباره‌ی نام‌های خاص ایرانی پرداخته و نام‌هایی را که ریشه از زروان داشته اند؛ نقل کرده است. این نام‌ها عبارتند از: «زروان (زوروان)، زروانداد، زروان ماه و زروان دخت است.» (یوستی، ۱۳۸۲: ۱۳۵)

فلسفه‌ی زروان:

در فلسفه‌ی زروانی همواره بحث از سرشت و ماهیت مبدأ وجود بر مبنای اصالت زمان است؛ چرا که زروانی‌گری همواره ایرانیان را به اندیشه در حقیقت بیکرانگی زمان و مبدأ وجود آفرینش وا می‌داشت. زروان (زمان بیکران) در اندیشه زروانی، موجود ثابت و لایتغیر نیست بلکه همواره جاری است و در مراحل تعیین خویش در مهره‌ی زمان گذران ظهور می‌کند. همان طور که گفته شد دو اصل نیکی و بدی از زروان صادر می‌شوند و این نشان می‌دهد که زروان توانایی تبدیل از قوه به فعل و تحول آن دو اصل را دارد. اندیشه زروانی پیرامون چهار موضوع اصلی مطرح می‌گردد:

1 - philippeGinoux

2 - Ferdinand Yusti

اصالت زمان

جبرگرایی، اعتقاد به شر به عنوان مخلوق زروان. (زروان، خدای بخت و تقدیر است).

آفرینش جهان از ماده اولیه

نگرش بدبینانه به زن

در آیین زروانی، «زروان» یا زمان بیکرانه، منشأ کاینات و ازلی و ابدی است. او ذات بیکرانه است و هرچه جز او کرانه دارد. در زروانی گرایی، اهورامزدا، اهریمن و «وای» خدای فضا، در سه بخش از جهان، کاینات را ساخته و همگی تجلی ذات زروان اند. زروان تنها وجود قدیم است و جز او همه حادث‌اند. وقتی دو اصل و گوهر هستی، یعنی خیر و شر از زروان زاده می‌شوند نشان از آن است که زروان برتر از هستی و نیستی، نور و ظلمت، وجود و عدم و... است. بدون زمان همه‌ی این‌ها در مرحله‌ی قوه باقی می‌مانند و به فعل نخواهند رسید. بنابراین زروان هم علت مادی است و هم علت صوری. هم فاعلی و هم علت غایی. نیبرگ می‌گوید: «زروان به مثابه‌ی عاملی است که همه‌ی نیروهای سازنده را با هم نگاه می‌دارد.» (نیبرگ، ۱۳۵۹: ۳۸۰)

باید گفت که زروانیان چهار جنبه برای ذات زروان قایل بوده‌اند: ارشوکار، فرشوکار، زروکر و زروان. «اشوکر» به معنی بخشنده‌ی نیروی مردی و مردانگی است. به معنی بخشنده‌ی نیروی رجولیت و سازندگی نیز هست. «فرشوکر» به معنی درخشان کننده و «زروکر» به معنی پیرگرداننده و آورنده‌ی مرگ است. این سه مرحله از حیات انسانی است که خارج از زمان نمی‌باشد و در ظرف زمان روی می‌دهد و زروان همواره ناظر بر آن است. به گفته‌ی نیبرگ زروان با پدیده‌ها و عوامل طبیعی که گذر زمان را مشخص می‌کند رابطه‌ای استوار داشته است مانند خورشید، ماه و بروج دوازده گانه.

زروان هم عضو چهارم این مجموعه بوده و هم در برگزیده‌ی آن، و بدین اعتبار او خدایی چهار پیکری می‌شود.

از قدیمی‌ترین منابعی که درباره اندیشه تقدیرگرایی زروانی در دست است سنگ نوشته‌ی آنتیوخوس کماگنی است که در آن زمان بیکران (خرونوس آپيروس) تعیین کننده‌ی سرنوشت انسان است. مطابق آیین زروانی انسان محکوم تقدیری است که سپهر تعیین کرده است و حتی اهورامزدا و اهریمن نیز در آن نقشی ندارند. در مینوی خرد نیز آمده است: «کار جهان همه به تقدیر و زمانه و بخت مقدر می‌رود که خود زروان فرمانروا و دیرنگ خداست.» (تفضلی، ۱۳۸۴: ۴۲) وجه مشخص زروان، یعنی زمان وجودی، خدای تقدیر است. سرنوشت جهان و تقدیر حاکم بر همه‌ی کاینات از همین جنبه‌ی وجودی خدای زمان محقق می‌شود. به گفته‌ی مینوی خرد: «آن چه بر همه کس و همه چیز مسلط است، بخت است.» (همان: ۴۰)

اگرچه نمی‌توان از تأثیر اندیشه‌های بابلی و یونانی در فرهنگ ایرانی و اعتقاد به تأثیر صور فلکی، ثوابت و سیارات در سرنوشت آدمیان چشم پوشید اما ارتباط و نسبت میان سپهر و زروان و اعتقاد به این که سپهر واسطه‌ی مشیت زروان در کاینات است؛ در متون کهن نیز سخن به میان آمده است. «سپهر آن است که نیکویی بخشد و خدایی و پادشاهی اوراست... او را که بیش دهد سپهر نیکو و او را که کم دهد سپهر بد خوانند و این بخشش نیز به زمان است.» (بهار، ۱۳۶۹: ۱۱۱)

کوش نامه:

کوش نامه، روایت زندگی پر فراز و نشیب کوش پیل دندان، فرزند کوش و برادر زاده‌ی ضحاک ماردوش است. سراینده آن ایرانشاه (ایران‌شان) بن ابوالخیر است. شاعر کتاب را به غیاث الدین ابوشجاع محمد بن ملک‌شاه سلجوقی تقدیم کرده است. این

منظومه در ۱۰۱۲۹ بیت به بحر متقارب مثنی مقصور سروده شده است. سراینده بی آن که نامی از فردوسی بزرگ و شاه نامه برده باشد، بی تردید مانند دیگر حماسه سرایان تحت تأثیر جادوی کلام فردوسی بوده است. در کتاب «حماسه سرایی در ایران» در معرفی این کتاب آمده است: «کوش نامه یکی از منظومه‌های حماسی است که ظاهراً در قرن پنجم و به تقلید از داستان‌های شاه نامه ساخته شده است. از این داستان منظوم صاحب مجمل التواریخ در جزء منظومه‌های حماسی مانند کرشاسف نامه و فرامرز نامه و اخبار بهمن که غیر از شاه نامه در دست است، به نام «قصه کوش پیل دندان» سخن گفته است. از این روی این داستان نیز باید مانند فرامرز نامه و اخبار بهمن پیش از سال ۵۲۰ مثلاً در اواخر قرن پنجم به نظم درآمده باشد.» (صفا، ۱۳۸۴: ۲۹۶)

این کتاب به سبک شاه نامه سروده شده که بخشی از رویدادهای تاریخ داستانی ایران باستان را به روایتی متفاوت با شاهنامه فردوسی و شاه نامه‌های پیش از آن باز می‌گوید. این کتاب اشاره‌هایی قابل توجه درباره چین و ماچین دارد. از چند افسانه و داستان که منشاء رومی دارد یاد شده و شرحی درباره هر یک آمده است. کوش در این داستان سال‌ها در کشورهای چین و آفریقا و مغرب زمین با ستمگری و بیدادگری حکومت می‌کرده است و عمری طولانی نزدیک به ۱۵۰۰ سال دارد.

زروان در کوش نامه:

متون حماسی دربردارنده‌ی اولین ها، باورها و آداب و رسوم مردم گذشته‌اند. در این نوع آثار به ویژه آنان که جنبه‌ی اسطوره‌ای و تاریخی دارند، باورها و عقایدی منعکس شده که ریشه در تاریخ و فرهنگ و تمدن ایران زمین دارد. از جمله مباحثی که در متون حماسی ما به ویژه شاه نامه نمود یافته، مبحث «دین‌های ایرانی» است. به طبع این موضوع در دیگر متن‌های حماسی نیز به نوعی جلوه‌گر شده است. متن مورد بررسی ما «کوش

نامه» در زمره‌ی متون حماسی است. هر چند که به صلابت و استواری شاه‌نامه نیست اما در نوع خود تقلید به سزایی است. شاعر با توجه به تاریخ سرایش اثر، قرن پنجم، ناگزیر اعتقاد و باورهای دینی خود را از جمله: شکر باری تعالی، نعت نبی (ص)، مدح پادشاه اسلام و... را در منظومه منعکس ساخته است. اما گاه در خلال بیت‌ها با مواردی مواجه می‌شویم که ریشه در باورهای ایران باستان دارد و بالطبع برآمده از منابع دست اولی است که در اختیار شاعر قرار داشته است. یکی از این باورها، آیین زروانی است. در این پژوهش برآنیم تا تأثیر این آیین را در این منظومه بررسی نماییم. پس به بررسی و تحلیل دو عنصر مهم از این آیین یعنی «زمان» و «سپهر» می‌پردازیم.

زمان

در آیین زروانی، «زروان» یا زمان بیکرانه، منشأ کاینات و ازلی و ابدی است. او ذات بیکرانه است و هرچه جز او کرانه دارد. در زروانی گرایی، اهورامزدا، اهریمن و «وای» خدای فضا، در سه بخش از جهان، کاینات را ساخته و همگی تجلی ذات زروان‌اند. زروان تنها وجود قدیم است و جز او همه حادث‌اند. هم‌چنان که از نیک کلبی در رساله اش نقل کرده: «آن‌گاه که هیچ چیز وجود نداشت. نه زمین و نه مخلوقاتی که در آسمان و زمین‌اند، تنها زروان وجود داشت.» (جلالی مقدم، ۱۳۸۴: ۱۴۳) در بندهش بخش نخست نیز آمده است: «زمان نیرومندتر از هر دو آفرینش است. آفرینش اهورامزدا و نیز آن اهریمن. زمان یابنده جریان کارهاست و زمان از نیک یابندگان یابنده‌تر است، زمان از آگاهان آگاه‌تر است.» (بهار، ۱۳۶۹: ۲۴)

اعتقاد به زمان و تأثیر آن بر لحظه لحظه زندگی بشر یکی از مهم‌ترین تفکرات آیین زروانی است. زروان به عنوان خدای زمان و مکان ناظر بر همه پدیده‌های هستی است. از ذات هر مزد و اهریمن گرفته تا مخلوقات خیر و شر همگی وابسته به این ذات

بیکرانه هستند؛ از این جهت سرمنشأ تمام کائنات را زمان می‌دانند. در میان تمامی اقوام و تمدن‌های کهن، حضور خدای زمان قابل درک است. از تمدن بین‌النهرین و بابل و سومری و روم گرفته تا مصر و هند، این خدای قدرتمند بر روی افکار و باورهای مردمان تأثیری غیر قابل انکار داشته است. اعتقاد به زمان، اعتقاد به سرنوشت و تقدیر را به همراه دارد و به دنبال آن اعتقاد به مرگ، که یکی از اصلی‌ترین تجلی‌های زمان است. مرگی که از آن هیچ راه‌گزینی نیست. در کوش نامه نیز تأثیر زمان و تجلی‌های مختلف آن به وضوح قابل مشاهده است. در این مجال به دسته‌بندی آن‌ها می‌پردازیم.

زمان در معنی وقت و ساعت:

یکی از رایج‌ترین کاربردهای واژه زمان، زمان در معنی وقت و ساعت، مهلت و فرصت است.

به گیتی تو دادیش چندان زمان که در خویشتن گردد او بدگمان ۵۱۰/۶۸۳۹
 چو برخواند نامه بدو ترجمان بخواند آبتین را هم اندر زمان ۳۰۷/۲۹۵۶

۱-۲- شب و روز:

شب و روز و یا به عبارتی طلوع و غروب خورشید عامل اصلی زمان محسوب می‌شود. شب و روز دلالت بر زمان محدود کرانمند و زمان پیش از روز و شب نیز دلالتی بر ذات بیکران زروان است. در کوش نامه مقطع‌های زمانی با طلوع و غروب خورشید در ارتباط تنگاتنگ است. چنان‌که اقدام‌های مهم چون لشکرکشی و جنگ با دشمن، به هنگام سپیده دم و زمان طلوع خورشید انجام می‌گیرد و در مقابل غروب خورشید، پایان روز و فعالیت می‌باشد. در کوش نامه روز بیشتر صحنه جنگ‌ها و درگیری‌هاست.

۲۵۵/۱۹۷۴	سپاهی سوی کوهیان سر نهاد	چو هور از بر کوه زیور نهاد
۱۸۰/۵۷۶	رسیدند نزدیک سنگی سیاه	همی راند یک روز و یک شب سپاه
۲۲۵/۱۳۷۴	جهان از بر قیر سیماب زد	سپیده چو بر کوه پرتاب زد
۲۲۵/۱۳۷۵	ز گرد آسمان و زمین تیره گش	دو لشکر بجوشید و آمد به دشت
۲۱۲/۱۱۵۰	شتابان بشد بر پی آن سپاه	چو یک نیمه از شب گذر کرد شاه

۱-۳- سرنوشت و تقدیر:

در تفکر زروانی، به همان اندازه که جهان و کاینات تجلی زروان است و آن را صادره از زروان می‌دانند، آدمی نیز با زروان مرتبط است و در بسیاری از متون پهلوی انسان و کاینات با انسان و آسمان هم جنس دانسته شده است. از نیک، نام زروان را با سرنوشت و بخت و اقبال تفسیر می‌کند. «در بندهش (بخش چهارم) زروان درنگ خدای و تقدیر ایزدی یکسان گرفته می‌شود. در مینوی خرد نیز زروان دیرند خدای، همان تقدیر و بخت مقدر است.» (تفضلی، ۱۳۸۴: ۴۲) زمان به عنوان نیروی مسلط بر تمام هستی و عامل به وجود آورنده‌ی کائنات، مفهوم سرنوشت و تقدیر را به ذهن متبادر می‌سازد. این زمان یا زروان است که با کمک آفریده‌های خود چون آسمان، برج‌ها و ستارگان، سرنوشت بشر را مشخص کرده و رقم می‌زند. بنابراین زمان گاه در معنی خوبی و گاه بدی به کار می‌رود. گاهی با شادی و سازگاری همراه است و گاه شرنگ زهر و ناسازگاری بر آدمی می‌چشاند. در کوش نامه نمونه‌هایی از این کاربردها وجود دارد:

۲۶۰/۲۰۶۴	زمانه همی بازدارد لگام	چه مایه بکوشیم از بهر نام
۴۰۳/۴۷۷۷	همه راه بی‌داد دارد نگاه	زمانه نیننی بتر زآن که شاه
۲۴۹/۱۸۴۶	زمانه به من مر تو رازنده کرد	تو را خرده‌ی شیر درنده کرد

۱-۴- مرگ:

اندیشه‌ی تقدیرگرایی در میان زروانیان منجر به اعتقاداتی در باب مرگ و حتی حضور شر در جهان گردید. همواره مسئله‌گریز ناپذیر مرگ در میان آدمیان از جمله امور غیر قابل حل بوده است و هیچ‌کس نمی‌تواند از آن بگریزد. حتی اهورامزدا و اهریمن هم توان آن را ندارند که مرگ را برای همیشه از کسی دور نگه دارند. مرگ قانونی است که به حوزه‌ی بخت و تقدیر ازلی تعلق دارد. یعنی همان مشیتی که اراده زروان است و از طریق زمان وجودی یا زروان درنگ‌ خدای جاری می‌شود. از آن‌جا که زروان «خدای نظم» نیز نام دارد، نظم همه‌ی امور در دست اوست و خروج از این نظم حاکم برای هیچ‌کس میسر نیست. آغاز و انجام هر پدیده در کاینات به دست خدای زمان است. این زمان است که مرگ افراد یا پایان یافتن زندگی را تعیین می‌کند. آوردن مرگ بر عهده‌ی اهریمن است اما زمان آن را زروان تعیین می‌کند. در وندیداد فرگرد ۱۹ بند ۲۹، راهی که پس از مرگ باید پیموده شود راه «زروان آفریده» خوانده شده است. راهی که هم برای نیکان است و هم بدان. این راه در ادبیات زرتشتی «پل چینود» خوانده می‌شود.

یکی از کاربردهای خاص واژه زمان، مرگ است. یکی از جلوه‌های وجودی زروان خدای زمان، مرگ و یا خدای مرگ بودن است. زروان، خدای مرگ و سرنوشت است. بر اساس متون پهلوی، زروان راهی را به سوی فنا و نیستی می‌آفریند. راهی که باید از پل چینوت گذر کرد و روان مردگان از آن عبور یابد. در متون پهلوی از جمله مینوی خرد، زروان یا زمان با صفت مرگ و تعیین‌کننده زمان مرگ معرفی می‌شود. در کوش‌نامه نیز گاه زمان در معنی مرگ، مشخصه اصلی زروان دیده می‌شود. در این بیت‌ها زمان، در مفهوم مرگ به کار رفته است:

گردش روزگار خوانده شده، گردشی که در آن هیچ توقف و درنگی نیست. خوبی و بدی از آن بر سر انسان‌ها می‌بارد و آنان نیز در برابر آن چاره‌ای جز پذیرفتن ندارند. این همان مسأله‌ی جبر و بی‌اختیاری در برابر سرنوشت است. کسی از خواسته و راز سپهر آگاهی ندارد، زیرا سرنوشت هر کس در اختیار زروان است و تنها زروان بر آن واقف است.

از مهم‌ترین ویژگی‌ی زروانی سپهر، باید به تقسیم‌کنندگی بخت و سرنوشت اشاره کرد. زروان، خوبی و بدی را بدون هیچ دریغی بر انسان فرو می‌آورد، گاه از در لطف و محبت وارد می‌شود و گاه زهر تلخ بلا و مصیبت را بر آدمی می‌چشاند.

چنین است این گنبد تیز رو همی بازی آرایدت نو به نو ۶۲۳/۸۹۴۸
 چنین روزگاری بخواهد کشید که داند که گردون چه آردپدید ۵۸۸/۸۲۸۴
 چنین است کردار و کارجهان که او رازها دارد اندر نهان ۲۰۲/۹۷۴

۲-۳ طالع بینی:

همان گونه که ذکر شد توجه به ستارگان و تأثیر قدرت آنان در سرنوشت انسان‌ها از جمله موارد قابل توجه در آیین زروانی است. در آیین زروانی ستارگان به دو دسته‌ی خوب و بد تقسیم می‌شوند و متناسب با این صفت‌ها عمل می‌کنند. گروهی دست‌نشانده‌ی هرمزاند و سرنوشت خوب را رقم می‌زنند و در مقابل گروه دیگر دست‌نشانده‌ی اهریمن‌اند و کارشان تباهی و ویرانی عالم و اخلال در کار انسان است. با توجه به اهمیت ستارگان در این آیین، علم نجوم و ستاره‌شناسی نیز از ویژگی‌های خاص این آیین به حساب می‌آید. در متون حماسی به این خاصیت بسیار توجه شده، چنان که در کوش نامه شاهان و قدرتمندان از شخصیت‌های مثبت گرفته تا منفی به هنگام انجام کاری و یا گرفتن تصمیمی از تولد و جنگ گرفته تا ازدواج، ابتدا به کمک

عنصر جدایی ناپذیر از زمان است. زمانی که انسان را می‌رویاند، می‌پروراند و سرانجام به خاک می‌افکند. این سه حالت چهره واقعی زمان هستند. مرگ جلوه وجودی زروان است. جلوه‌ای که باید آن را در زمره‌ی چهره اهریمنی زروان به حساب آورد. در این منظومه، زمان، در معنی مرگ و اصلی‌ترین خویشکاری زروان به کار رفته است.

از سوی دیگر سپهر، تجلی گاه و مکان زمان است. سپهر با تمام آفریده‌های در آن، همگی آفریده‌های زروان هستند؛ در خدمت زروان‌اند تا سرنوشت را بسازند و تقدیرها را رقم بزنند. ستارگان اصلی‌ترین شخصیت‌های این صحنه نمایش پر هیاهواند. آن جا که به نامشان سوگند یاد می‌شود، قداست و اهمیتشان آشکار می‌گردد و آن جا که انسان‌ها زندگی و سرنوشت خود را با حرکت آنان می‌سنجند و چشم امید به گردش افلاک و بخت نیک دارند، قدرت زروان بیش از پیش نمودار می‌گردد. به طور کلی باید گفت که ایرانیان بن ابوالخیر با اندیشه‌های زروانی آشنا بوده است. وی در کوش نامه، به بیان مهم‌ترین اصول این تفکر یعنی اهمیت زمان و نقش موثر آسمان و سپهر و ستارگان، به ویژه اهمیت تقدیر و بخت در زندگی شخصیت‌ها پرداخته است.

